یادداشت روز

فساد آبی و قرمز ندارد

راز فراز و نشیب انقلاب چیست؟ ماجرای پیشرفت‌ها و عقبگردها در نهضت صدر اسلام و انقلاب اسلامی ۵۷ را چگونه باید تحلیل کرد؟ از کجا گره در داستان نهضت اسلامی می‌افتد و راز گشوده شدن گره‌ها کدام است؟

۱-«انقلاب-ضدانقلاب» مهم‌ترین دوقطبی پس از هر انقلاب است. با این وصف دوقطبی‌هایی نظیر «چپ- راست»، «اصولگرا- اصلاح‌طلب»، «حامی دولت- رقیب و مخالف دولت»، «معتدل- افراطی»، «هاشمی- احمدی‌نژاد»، و قبیل آن صرفاً در متن آن تقسیم‌بندی کلی قابل بررسی است و اگر مایه خدشه، تحریف یا به حاشیه افتادن دوقطبی انقلاب و ضدانقلاب شود، آفت بزرگی است که متأسفانه بعضاً به جان فضای سیاست و مدیریت ما افتاده است؛ شبیه تقسیم‌بندی مجعولی که یک قرن پیش در جریان نهضت عدالت‌خواهی القا شد. با پادرمیانی روشنفکران و مطبوعات همسو با سفارت انگلیس، قطب‌بندی اصلی میان انقلابیون و استبداد وابسته، به تقسیم‌بندی «حامی مشروطیت- مخالف مشروطیت» تغییر پیدا کرد و در حالی که برخی روشنفکران وابسته خود را انقلابی جا می‌زدند، برخی رهبران پیشگام نهضت نظیر مجتهد شهید شیخ فضل‌الله نوری(ره) را به خاطر زدن قید مشروعه به مشروطیت در صف حامیان استبداد وانمود کردند و شد آن بلا که شد. به فاصله ۱۵ سال از دل شعار جمهوریت و تجدد، دیکتاتوری سیاه رضاخانی پدید آمد.

۲-اگرچه «انقلاب- ضد انقلاب» دوقطبی اصلی است، اما ذیل عنوان انقلابیون عملاً دو طیف دیده می‌شوند. الف- قائلان به ایثار و از خودگذشتگی ب- قائلان به استئثار و «برای خودخواهی». طیف دوم هر چند همراه انقلابند اما به مرور، خود و قبیله و باند و جناح خود را به آرمان‌های انقلاب رجحان می‌بخشند. این عقبگرد و ارتجاع، بستر بازتولید رفتارهای معارض انقلاب است و به همین دلیل انقلابیون مستأثر خواسته و نخواسته، محملی برای تجدید حیات انگلی ضدانقلاب می‌شوند. همین مستأثران هستند که با گفتار و رفتار خود، مرزهای دو جبهه اصلی را مخدوش و امکان تشخیص حق و باطل را برای مردم سخت می‌کنند. فتنه‌های حیرت‌زا در این مسیر شکل می‌گیرد و به «ضدانقلاب» جرأت و روحیه و امید می‌دهد؛ چه اینکه به اعتبار رفتار بد برخی مدعیان همراهی با انقلاب، زبان معارضان روی انقلابیون دراز می‌شود. آنچه بعضاً از زراندوزی و اشرافیگری و مسابقه تجمل و سوءاستفاده از موقعیت‌ها و خودکامگی در دولت‌های موسوم به سازندگی و اصلاحات و عدالت رخ داد، از این قبیل است. کشور در این ۳۵ سال با دشمنانی بی‌رحم و مستکبر در مصافی بزرگ دست و پنجه نرم می‌کرد و کسانی در همین بحبوحه مشغول سهم‌خواهی و غنیمت‌اندوزی شدند.

رهبر معظم انقلاب ۲۴ مهر ۱۳۹۱ در جمع بسیجیان استان خراسان شمالی با تذکر درباره تقابل ایثار و استئثار فرمودند: «ایثار در لغت نقطه مقابل استئثار است. استئثار یعنی هرچه که وجود دارد ما برای خودمان بخواهیم. گاهی در بعضی از دعاهای ائمه علیهم‌السلام از مستأثرین شکایت شده است. مستأثرین یعنی آن کسانی که هرچه هست، برای خودشان می‌خواهند؛ دنبال منافع شخصی و دست‌اندازی به داشته‌های دیگرانند. ایثار، نقطه مقابل این است؛ یعنی از سهم خود، از حق خود برای دیگران گذشت کردن، و به نفع دیگران از حق خود صرف‌نظر کردن. ما افراد بشر، دائم در کنار لغزشگاه داریم حرکت می‌کنیم. جاذبه‌ها ما را به خود فرا می‌خواند. دنبال منافع شخصی حرکت می‌کنیم. منافع شخصی، ما را جذب می‌کند. گاهی به خاطر منافع خودمان، حاضریم حق دیگران را هم پامال کنیم. باید مراقب خودمان باشیم. آن قله‌های بسیج که عرض کردیم، آنهائی هستند که جان خودشان را در کف دست گرفتند، رفتند برای دفاع از اسلام، برای دفاع از انقلاب، برای دفاع از امام، برای دفاع از کشور، برای حفظ مرزهای کشور جنگیدند. از خودگذشتگی، بالاتر از این؟ بیش از این؟! این، قله ایثار است. پایین‌تر از این، صرف‌نظر کردن و گذشتن از منافع کوتاه مدت مادی است که ما برای خودمان تعریف می‌کنیم. سعی کنیم از منافع شخصی به نفع منافع عمومی، به نفع اسلام، به نفع اهداف والا، صرف‌نظر کنیم. ... آنجائی که می‌بینیم رسیدن به یک حق شخصی معنایش این است که از حقوق دیگران عبور کنیم، از قانون عبور کنیم، از انصاف عبور کنیم، اینجا مهار و زمام نفس خود را به دست بگیریم؛ آنچه را که می‌توانیم به دست بیاوریم، به نفع دیگران از آن صرف‌نظر کنیم؛ این می‌شود ایثار».

۳-فساد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، چپ و راست یا اصولگرا و اصلاح‌طلب نمی‌شناسد. فساد، ذاتاً مشمئزکننده است از هر کس و با هر تابلویی که می‌خواهد باشد. فساد نقطه مقابل انقلاب و آرمان‌های آن است و بنابراین باید با آن بی‌ملاحظه و مجامله برخورد کرد. یک اتفاق رنج‌آور این است که نوع مفسدان در قبیل دولت‌ها، خود را پشت سیاستمداران و طیف‌های سیاسی پنهان کردند. فساد اگر از جناح مقابل بود، هو می‌شد و ابزار بهره‌برداری‌های سیاسی و انتخاباتی برای حذف رقیب از ریشه قرار می‌گرفت اما اگر متعلق به جناح خودی بود، سرپوش بر آن می‌گذاشتند. یا بدتر، به رسم تعصبات قبیله‌ای و عشیره‌ای از مجرم حمایت می‌کردند. تشکیل ستاد حمایت از کرباسچی در وزارت کشور دولت اصلاحات، زیر سؤال بردن تابعیت رئیس وقت قوه قضائیه به خاطر پرداختن به پرونده مفاسد شهرام جزایری و برخی نمایندگان آلوده به وی در مجلس ششم، بستن دهان رئیس فراکسیون دوم خرداد در همان مجلس از سوی برخی نمایندگان بانفوذ به خاطر انتقاد از فاجعه وزارت زنگنه و تخلفات شرکت نفتی پتروپارس (متعلق به بهزاد نبوی و اکبر ترکان) و بازتولید برخی از همین شیوه‌ها در دولت دوم احمدی‌نژاد و حمایت از امثال رحیمی و مرتضوی با وجود ارتکاب برخی جرایم، نمونه‌ای از ده‌ها رفتار عشیره‌ای و قبیله‌ای در ادوار مختلف است. این جفای بزرگی بود که در حق مردم و نظام و انقلاب صورت گرفت. کسانی پیدا شدند که با سوء استفاده از موقعیت سیاسی، مایه تهدیدآفرینی و فرصت‌سوزی شدند و دیگرانی با تعصبات باطل پشت همان‌ها را گرفتند و دعواهای حیدری نعمتی راه انداختند.

۴-ضدانقلاب به مفهوم استکبار خارجی و ادامه آنها در داخل. بی‌ثبات‌سازی از راه بمباران امید و اراده و اعتماد مردم را در دستور کار قرار داده‌اند. برای آنها مهم است که بتوانند در فضای رسانه‌ای وارد شوند و اثر بگذارند. اتفاق نگران‌کننده آن است که نفوذی‌ها بتوانند وارد متن رقابت‌ها و منازعاتی شوند که بعضاً بر اصول انقلاب و اولویت‌های کشور رجحان یافته است. در این شگرد چنین القا می‌شود که هدف از کار رسانه‌ای و حزبی، کمک به یک طیف در مقابل طیف دیگر یا دولت در مقابل مخالفان است. به عنوان مثال روزنامه بهار تظاهر به حمایت از عارف و اصلاح‌طلبان می‌کرد اما در واقع تبدیل به ارگان گروهک نهضت آزادی شده بود و سرانجام نیز به قلم یک عضو این گروهک -درست یک روز قبل از عید سعید غدیر- ولایت سیاسی امیر مؤمنان(ع) را زیر سؤال برد تا معلوم شود ماجرای شیخون دشمن چه قدر عمیق و گسترده است. مشابه همین اتفاق از سوی روزنامه دیگری رخ داد که تظاهر به حمایت از دولت اعتدال می‌کرد و در حلقه مشاوران راه داشت اما صراحتاً از نشریه هتاک به پیامبر اعظم(ص) حمایت کرد. عوارض منفی جا به‌جا و بد دیدن قطب‌بندی‌ها، اصلی شدن مسائل فرعی و به حاشیه رفتن مسائل اصلی، غفلت از کمین و نقشه‌های به روز شده دشمن، هدر رفت فرصت‌ها و اصطکاک و تزاحم‌ها، و گم شدن اولویت خدمتگزاری به مردم است.

۵-قرآن به مؤمنان هشدار می‌دهد مانند آن انسان بی‌خرد نباشند که تا ظهر پشم‌ها را می‌تابید و محکم می‌کرد اما ظهر به بعد رشته‌های تابیده را وامی‌تابید و می‌گشود! «ولاتکونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوةٍ انکاثاً». کدام شعار و خدمت برای کشور شریف‌تر از «سازندگی» و «عدالت» و «اصلاحات»؟ و کدام جفا بزرگ‌تر از این که برخی صاحب‌منصبان ذیل همین شعارهای زیبا و در میانه‌راه، عقبگرد زدند و به فکر اشرافیگری و امتیازطلبی و تکاثر قدرت و ثروت افتادند؟ چرا به جای اینکه اصول انقلاب و ارزشهای ملت خط قرمز باشد، برخی مجرمان و متهمان تبدیل به خط قرمز شماری از سیاستمداران و صاحب‌منصبان شدند؟ پرونده‌های فساد و تخلفی چون کرسنت، استات اویل، ایران مارین سرویس، شهرام جزایری، مه‌آفرید خسروی، بابک زنجانی و بیمه ایران چگونه پدید آمد؛ جز به واسطه وارونه دیدن دو قطبی‌های اصلی و ورود در دو قطبی‌های انحرافی آمیخته با حب و بغض‌های باندی؟! چرا وقتی محتشمی‌پور رئیس فراکسیون دوم خرداد از مدیریت وزارت نفت و تخلفات پترو پارس در مرداد ۸۰ انتقاد کرد، بعداً مجبور شد بگوید هر که را اسرار حق آموختند- مهر کردند و دهانش دوختند؟ چرا با تخلفات برخی مدیران وزارت نفت دولت اصلاحات در پرونده کرسنت - با وجود پیگیری‌های دبیر وقت شورای امنیت ملی (روحانی)- برخورد نشد و برخی از همان‌ها در دولت یازدهم سر کار بازگشتند؟

ماجرای رشوه‌های ده‌ها میلیون دلاری در قراردادهای نفتی دوره اصلاحات چه بود که حتی صدای چند عضو فراکسیون اصلاحات را درآورد اما با لاپوشانی اکثریت آنان همراه شد؟ چرا ارتشای صورت گرفته در پرونده استات اویل هنوز پیگیری نشده است؟ به کدام دلایل فلان شرکت نفتی وابسته به نایب رئیس مجلس ششم را در انگلستان ثبت کردند و با دور زدن قانون مناقصه- به‌عنوان یک امتیاز هنگفت- ۸ میلیارد دلار قرارداد به این شرکت نوپا سپردند و بعد هم مدیر عامل همان شرکت- که اتفاقاً همین روزها علیه رانت داد سخن می‌دهد- با گستاخی گفت «اگر رانتی را در دولت قرار دادیم و عده‌ای از آن استفاده کردند و ثروتمند شدند، حق نداریم یقه آنها را بگیریم»؟ آیا فساد هم قرمز و آبی دارد که اگر در دولت رقیب بود باید ریشه دولت را هم بسوزانیم اما در دولت خودی بود، لاپوشانی و حمایت کنیم؟! یعنی مثلا سودهای هنگفت و انحصاری بابک زنجانی در دولت سازندگی و در جریان فروش انحصاری ارز یا عکس‌های یادگاری او با آقایان هاشمی یا روحانی ممدوح و مستحسن است و داستان فربه شدن و تخلفات امثال او را باید از وسط و فقط در دولت رقیب بازخوانی کرد؟! فلان رجل سیاسی اگر تملق رئیس دولت سازندگی را گفت یا مدیر دانشکده حقوق دانشگاه آزاد بود، عیبی ندارد و فقط تملق او به رئیس دولت عدالت و ارتشاء وی بد است؟ آیا از خود پرسیده‌ایم که چرا آن همه بهره‌برداری سیاسی از پرونده مفسد ۳ هزار میلیارد تومانی صورت می‌گیرد اما سر بزنگاه پرکارترین همکار نشریات اصلاح‌طلب که جزو حاضرین در فیلم تبلیغاتی آقای روحانی بود، به دفاع از همان مفسد ۳ هزار میلیاردی برمی‌خیزد و می‌گوید «باید به او نشان لیاقت داده می‌شد. او بااستعداد، دارای شم اقتصادی، نابغه و کارآفرین بود و روحیه چنین افرادی اساسا از زد و بند و اختلاس و کارهای خلاف بری است»!

۶- سوء استفاده از موقعیت و فساد، قرمز و آبی ندارد. اختلاس ۳ هزار میلیاردی همانقدر منزجرکننده است که واگذاری رانت ۶۵۰ میلیون یورویی (بالغ بر ۳ هزار میلیارد تومانی) به بهانه واردات خوراک دام. این شرافت نمایندگان اصولگرا است که اولین و مهم‌ترین پیگیری‌کنندگان اختلاس در پرونده شرکت بیمه ایران بودند و با همراهی قوه قضائیه تا پای صدور حکم برای معاون اول رئیس‌جمهور در دولت دهم پیش رفتند. این شرافت است که یک نماینده حامی دولت در آبان ۸۷ وقتی با پیشنهاد چک ۵ میلیونی مدیر دولتی برای منتفی کردن یک استیضاح مواجه می‌شود، سیلی در گوش او می‌زند. معنای رفتار آقایان زاکانی، نادران، توکلی و علی‌اصغر زارعی این است که دولت همسو تا مرز وفاداری به اصول، محترم و مورد حمایت است. ای کاش این رویکرد یا رویکرد امثال آقایان محتشمی‌پور و (مرحوم) رشیدیان در مجلس ششم، تبدیل به یک الگوی رفتاری پایدار شود. کاش شعار فعالان سیاسی همان شعار صحابه همراه امیر مومنان(ع) باشد که به تعبیر شهید مطهری «اصولی بودند و اصول‌شناس. (در ماجرای سقیفه) گفتند صحابه شما محترمید اما حق محترم‌تر است.»

کاش رهنمودها و هشدارهای مهم رهبر معظم انقلاب خطاب به دولتمردان در دوره‌های مختلف تبدیل به اولویت استراتژیک می‌شد تا برخی حاشیه‌ها بر اصول، تخلف‌پروری بر فسادستیزی، و سیاست‌بازی بر خدمتگزاری سایه نیفکند. (به راستی چرا امثال رحیمی و مشایی جایگزین دکتر داودی و دیگران شدند؟) و کاش مبارزه با فساد، تبدیل به نارنجک صوتی دودزا برای انحراف اذهان از برخی کم‌کاری‌ها و کم‌فروشی‌ها و فرار از مسئولیت یا برچسبی برای بستن دهان منتقدان برخی روندهای خطرناک فعلی نشود. کاش نوع فساد برای ما و سیاستمداران ما مایه اشمئزاز و انزجار باشد.

محمد ایمانی

پرده دیگری از دیپلماسی دولت تدبیر

فضولی بی‌جای آلمان نتیجه سفر نابجای پاریس!

هشدارها درباره خط مشی وزارت خارجه در مقابل آمریکا و اروپا از سوی دولت یازدهم جدی گرفته نشد. قدم‌زنی صمیمانه مسئول دستگاه دیپلماسی کشور با همتای آمریکایی‌اش در ژنو، موجی از اعتراضات و تذکرات را به دنبال داشت اما ظریف با لحنی قابل تامل دلیل این پیاده‌روی را استفاده از هوای پاک ژنو برای تغییر فضای تنش‌آلود مذاکرات عنوان کرد و سخنگوی دولت نیز به جای عذرخواهی از این حرکت نابجا، به منتقدان حمله کرد و تذکر و هشدارهای آنان را «خیلی سخیف» خواند! و نتیجه آن که نایب رئیس مجلس آلمان در دیدار با محمدرضا عارف به شکلی بی‌سابقه و گستاخانه در امور داخلی کشورمان دخالت کرد.

وقتی سفر ظریف به پاریس، همزمان با اهانت چندین و چند باره نشریه هتاک فرانسوی به پیامبر اعظم(ص) و حمایت دولتمردان فرانسه از این هتاکی با اعتراض دلسوزان و خیل عظیم مردم در تجمعات سراسر کشور و از جمله مقابل سفارت فرانسه روبرو شد و خواستار برخورد جدی با فرانسه و پوزش دولت از ملت شدند دولت این درخواست‌ها را احساسی نامید! و ادعا کرد؛ حرف مردم نیست!

پیش‌بینی نتیجه چنین روندی دشوار نبود و آنچه روز گذشته در دیدار نایب رئیس مجلس آلمان با یکی از عناصر اصلاح‌طلب اتفاق افتاد را باید سرآغاز این کژراهه دانست. اظهارات گستاخانه این مقام دست چندم آلمانی در دیدار روز گذشته خود با عارف تعجب‌آور و غیرمنتظره نیست، بلکه تأسف جدی از همراهی و حضور مقامات ارشد وزارت خارجه و سکوت خفت‌بار آنان در مقابل این مداخلات گستاخانه و بی‌شرمانه است.

دستگاه دیپلماسی کشور باید در برابر مردم پاسخگو باشد که چطور یک مقام اروپایی در تهران برای همه چیز - از انتخابات آینده ایران گرفته تا ورزشگاه‌های کشورمان- تعیین تکلیف می‌کند!

«کلودیا روت» نایب‌رئیس مجلس قانون‌گذاری آلمان در ابتدای این دیدار خود با محمدرضا عارف که با حضور سیدعلی خرم مشاور وزیر خارجه و اکرمی معاون اداره اول اروپا در این وزارتخانه و همچنین سفیر جمهوری فدرال آلمان در ایران برگزار شد، با بیان اینکه آمده است تا از تحلیل‌های عارف در زمینه مسائل داخلی استفاده کند، ضمن دخالت آشکار در مسائل داخلی کشورمان گفت: من آمده‌ام تا یک سال مانده به انتخابات مجلس بدانم که در سفر بعدی خود شما از من در چه جایگاهی دعوت خواهید کرد!

وی در ادامه با دخالت بی‌جا در امور داخلی کشورمان ضمن حمایت از فتنه‌گران سال ۸۸ خواستار رفع حصر سران وطن‌فروش فتنه شده و مدعی شد در این صورت مردم ایران نیز خوشحال می‌شوند!

نایب‌رئیس مجلس آلمان در ادامه این دیدار مجدداً به بحث انتخابات مجلس آینده کشورمان وارد شده و با اشاره به جایگاه شورای نگهبان، گفت: من شنیده‌ام که در ایران همه می‌توانند کاندیدا شوند ولی باید از فیلتر شورای نگهبان رد شوند و همینطور شنیده‌ام که برخی نتوانسته‌اند از این فیلتر عبور کنند.

حضور زنان در ورزشگاه‌ها، وارد کردن اتهامات حقوق بشری به ایران و درخواست آزادی یکی از زندانیان فتنه ۸۸ از دیگر مداخلات گستاخانه روت در این دیدار بود.

دیدار با مولاوردی یا جلسه بازجویی!؟

افزون بر این سخنان مداخله‌جویانه و گستاخانه، نایب‌رئیس پارلمان آلمان دو روز قبل دیداری با معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده داشت و در جلسه‌ای که شبیه به بازجویی از عملکرد حقوق بشری کشورمان بود، به اخذ گزارش از وی پرداخت!

در این جلسه مفصل نایب رئیس پارلمان آلمان درخصوص موضوعاتی جزئی و کلی حوزه زنان، خانواده، قوانین قضایی، پرونده اسیدپاشی در اصفهان و... مولاوردی را مورد سوال قرار داد و وی نیز به جای یادآوری جایگاه قانونی و تذکر این نکته که دخالت در امور داخلی کشورها، خلاف موازین دیپلماتیک است،به این پرسش‌ها پاسخ داد. گویی به مسئول بالادستی خود گزارش می‌دهد! مولاوردی در این دیدار در پاسخ به پرسش کلودیا روت درباره وضعیت خشونت علیه زنان در کشورمان، بدون یادآوری این نکته که براساس آمار، آلمان شاهد درصد بالایی از خشونت علیه زنان و آزار و اذیت آنان است گفت: خشونت علیه زنان یک پدیده جهانی است و در تمام کشورهای دنیا وجود دارد و مختص به یک کشور و افرادی با سطح تحصیلات، درآمد و یا دین مشخص نیست!

وی با بیان اینکه «متاسفانه آمار خشونت علیه زنان رو به افزایش و نگران‌کننده است» و افزودن اینکه: «خشونت علیه زنان به اشکال مختلف خانوادگی و اجتماعی در همه کشورهای دنیا ورود می‌کند و ما نیز از کشورهای دیگر مستثنی نیستیم» به جای ارائه آمار خشونت‌های گسترده علیه زنان در آلمان که با قتل و تجاوز به عنف و دهها جنایت شرم‌آور دیگر همراه است، عملا در اظهارات مورد اشاره با مأمور دولت آلمان همزبانی کرد!

این گزارش‌دهی بی‌ربط به رئیس پارلمان یک کشور اروپایی توسط معاون رئیس دولت یازدهم که به پاسخ‌دهی یک متهم به بازجوی قانونی کم شباهت نیست در شرایطی صورت گرفته که جمهوری اسلامی کشوری مستقل بوده و قرار نیست در سایه وادادگی و احساس خودکم‌بینی برخی کارگزاران آن نایب رئیس مجلس یک کشور اروپایی که از قضا کشورش مصداق بارز نقض حقوق زنان و حقوق کودکان و مشهور به نژادپرستی است، واداده و منفعل باشد.

دولت برده‌ها

این نکته نیز گفتنی و برای مسئولان سیاست خارجی کشورمان شنیدنی و عبرت‌گرفتنی است که ۹ سال قبل - بهمن‌ماه ۱۳۸۴- خانم آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در کنفرانس امنیتی مونیخ گفته بود «ایران لیاقت آن را ندارد که برنامه هسته‌ای آن قابل تحمل باشد»! و مدیرمسئول کیهان در یادداشت کوتاهی آورده بود؛

اگرچه اظهارات خانم مرکل با اعتراض شدید چند تن از نمایندگان حزب سوسیال دموکرات روبرو شد و «کریستین لانگه» سخنگوی این حزب در اعتراض خود به طور تلویحی «مرکل» را فاقد درک سیاسی دانست ولی کم‌شعوری کمترین علت و خوشبینانه‌ترین توضیح درباره اظهارات غیرمسئولانه خانم صدراعظم است. خانم مرکل پیرامون مفهوم «لیاقت» در اظهارات خویش توضیحی نداده است ولی باید پرسید اگر منظور از «لیاقت»، همان شایستگی یک ملت برای حاکمیت بر سرنوشت و حفظ عزت و اقتدار خویش است، این «لیاقت» برای ملت ایران که ۲۸ سال متوالی - تا آن تاریخ- در مقابل تمامی وحشی‌گری‌ها، توطئه‌ها، زورگویی‌ها و جنایت‌های آمریکا و اروپا ایستاده و امروزه قطب قدرتمند اسلام در جهان را رهبری می‌کند، یک واقعیت اثبات شده است.

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

هواپیما

گفت: برخی از دولتمردان محترم به جای این که از نقاط قوت خودشان سخن بگویند، درباره نقاط ضعف دولت سابق حرف می‌زنند!

گفتم: اگر نقطه قوتی داشتند که با کمال افتخار درباره آن توضیح می‌دادند.

گفت: وقتی از آنها درباره وعده‌هایی که داده‌اند و عمل نکرده‌اند سؤال می‌شود، همه تقصیرها را به گردن دیگران می‌اندازند و ادعا می‌کنند که منتقدان دولت یازدهم مانع شده‌اند!

گفتم: ابتدا باید بگویند می‌خواستند چه اقدامی انجام بدهند و بعد ادعا کنند که منتقدان نگذاشته و مانع شده‌اند.

گفت: چه عرض کنم؟!

گفتم: دانش‌آموزی می‌گفت؛ اگر به مادر من مأموریت بدهند که هواپیمای گمشده مالزی را پیدا کند، بلافاصله به من می‌گوید؛ پاشو ببینم زیر تو نیست؟!

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی خبر داد

۸۰ نمایندگی و رایزن فرهنگی ایران مسئول رساندن پیام رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی

۸۰ نمایندگی و رایزنی فرهنگی ایران در خارج از کشور موظف شدند تا با بهره‌مندی از توانمندی و ظرفیت نمایندگی‌ها در تعاملات فرهنگی به تبیین محورهای پیام مهم و تاریخی رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی بپردازند.

به گزارش اداره‌کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی پس از انتشار پیام رهبر معظم انقلاب خطاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ، رایزن های فرهنگی در خارج از کشور را مأمور تبیین محورهای این پیام کرد.

ابوذر ابراهیمی‌ترکمان رئیس این سازمان و عضو شورایعالی انقلاب فرهنگی در این راستا از رایزنی‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور خواست تا با بهره‌مندی از توانمندی و ظرفیت نمایندگی‌ها در تعاملات فرهنگی به تبیین محورهای پیام مهم و تاریخی مقام معظم رهبری که خطاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی صادر شد، بپردازند.

گفتنی است، ۸۰ نمایندگی و رایزنی فرهنگی ایران که زیر نظر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی فعالیت می‌کنند، از طریق ارتباطات گسترده با محافل فرهنگی و علمی دولتی و غیردولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی ـ پژوهشی، مجامع فرهنگی و هنری و شخصیت‌های دینی، علمی و فرهنگی اثرگذار در بیش از ۶۰ کشور جهان، به معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی ـ اسلامی، می‌پردازند.

ترجمه نامه رهبر انقلاب به ۱۴ زبان

وب‌سایت دانش‌آموختگان جامعه المصطفی نیز در اقدامی قابل توجه به ترجمه نامه رهبر معظم انقلاب به زبان‌های مختلف دنیا پرداخته‌است که تاکنون ۱۴ ترجمه از این نامه بر روی این سایت قرار گرفته است.

آیت‌الله رضا رمضانی رئیس مرکز اسلامی هامبورگ نیز در نامه‌ای خطاب به رهبر انقلاب : مرقومه پر مهر حضرتعالی خطاب به جوانان اروپایی و آمریکای شمالی حسب اطلاعات میدانی با استقبال وسیع مسلمانان منطقه مواجه شد.

رسانه های غالب مطالب را وارونه می‌کنند

همچنین در ادامه بازتاب نامه تاریخی رهبر انقلاب پرفسور کوین برت تحلیلگر و پژوهشگر آمریکایی در مصاحبه ای اظهار داشت : امروز مفتخرم به اینکه پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران [آیت الله] سید علی خامنه‌ای را برای جوانان غربی منتشر کنم که از جوانان غربی خواسته است تسلیم شرطی‌سازی‌های اسلام‌هراسانه جوامعشان نشوند، بلکه به جای آن مستقل فکر کنند.

وی ادامه داد : جوانان بهتر می‌دانند رسانه‌های غالب امروز دنیا جلوی انتشار بسیاری از مطالب را گرفته یا مطالب را به شکل دیگری ارائه می‌دهند. اما با این نامه، رهبر ایران از این سانسورها فراتر رفته و مستقیما جوانان غربی را مخاطب قرار داده‌اند.

کوین برت همچنین گفت : رهبر انقلاب با توصیه به جوانان برای دریافتن حقیقت اسلام از منابع اصلی آن، در واقع به آنها می‌فرماید اطلاعاتی که از اسلام در رسانه‌های غالب دنیا منتشر و یا در سیستم آموزشی غربی تدریس می‌شود، تبلیغات سوء علیه اسلام است.

وی اظهار داشت : موانعی در غرب بر راه شناخت اسلام واقعی وجود دارد که یکی از آن موانع، ترجمه‌هاست.

این تحلیل‌گر آمریکایی اظهار داشت: بسیاری از ترجمه‌هایی که از مطالب و منابع اسلامی به زبان‌های غربی وجود دارند، اگر توسط غیر مسلمانان انجام گرفته باشند غیر دوستانه و با نیت خیر همراه نبوده همچنین اگر توسط مسلمانان صورت گرفته باشد خیلی ناشیانه ارائه شده‌اند.

خبر ویژه

رهامی: حرف روحانی غلط است پیروزی او مدیون ماست!

مسئول کمیته هماهنگی اصلاح‌طلبان گفت روحانی پیروزی خود را مدیون اصلاح‌طلبان است و نباید بگوید وامدار هیچ حزبی نیست.

به گزارش ایرنا، محسن رهامی در «برنامه انتخابات شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان» در بندرعباس، اظهارات رئیس‌جمهور مبنی بر این که وامدار هیچ حزبی نیست را «غلط» دانست و گفت: روحانی برای پیروزی انتخاباتی خود بدهکار احزاب است.

وی افزود: پنج روز پیش از انتخابات ریاست جمهوری، روحانی با ۱۰/۸ درصد در رتبه چهارم نظرسنجی‌ها قرار داشت که با تدبیر و اجماع احزاب اصلاح‌طلب به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت و برنده انتخابات شد. این ادعا در حالی است که عارف نامزد اصلاح‌طلبان در همان نظرسنجی ۸-۷ درصد بیشتر رای نداشت.

رهامی تصریح کرد: هرچند حق اصلاح‌طلبان و افرادی مانند عارف در این دولت ادا نشد، استراتژی اصلاح‌طلبان حمایت از دولت است اما این طیف با هیچ‌کس عقد اخوت نبسته و رویکرد انتقادی خود را خواهد داشت.

وی همچنین حضور مدیران و افراد دارای سمت‌های دولتی در نشست اصلاح‌طلبان بندرعباس را ارزشمند توصیف و اضافه کرد: در برخی استان‌ها مسئولان با این توجیه که نباید برچسب حزبی بخورند، از حضور در نشست‌ها خودداری می‌کنند در حالی که آنان موقعیت و مسئولیت خود را مدیون رای و اعتماد مردم به احزاب هستند.

نشست شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان شهرستان بندرعباس با حضور چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب و مشاور عالی استاندار هرمزگان و تعدادی دیگر از مسئولان استان در فرهنگسرای طوبی بندرعباس برگزار شد.

محمد هاشمی: آمریکا قابل اعتماد نیست باید امید به خارج را قطع کنیم

یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت آمریکا قابل اعتماد نیست همان‌گونه که نزدیک‌ترین متحدانش را قربانی کرد.

محمد هاشمی در مصاحبه با روزنامه آرمان اظهار داشت: آمریکا قابل اعتماد نیست. در همین منطقه خود ما و خاورمیانه صدام بیشترین خدمت را به آمریکا کرد، با ایران جنگید و ۸ سال جنگ کرد و هر آنچه در توان داشت، استفاده کرد به نحوی که کاری نمانده بود صدام برای آمریکا انجام ندهد اما وقتی که مصرفش تمام شد، مشاهده کردید با چه وضع رقت‌باری صدام را کنار گذاشتند. با اینکه وقتی آمریکایی‌ها به لیبی گفتند آنچه درباره پرونده هسته‌ای دارید تحویل دهید، قذافی همه را بار کشتی کرد و به آمریکا فرستاد و در قضایای دیگر کاملا به آمریکایی‌ها سرویس می‌داد اما مشاهده کردید وقتی تاریخ مصرفش تمام شد، به چه روزی افتاد؛ کشورهای دیگری هم مشابه لیبی و عراق بودند. بنابراین به آمریکایی‌ها نمی‌توان اعتماد کرد.

عضو مستعفی حزب کارگزاران می‌افزاید: ایران هیچ‌گاه به آمریکا اتکا نخواهد کرد چون آمریکا قابل اعتماد نیست. هیچ کشوری نمی‌تواند به آمریکا متکی باشد چون آمریکا نشان داد که وفادار نیست مثلا القاعده را به کمک عربستان و کشورهای دیگر به وجود آورد و وقتی مشاهده کرد چه وضعیتی پیش آمد، قصد از بین بردن القاعده را کرد یا در مورد دیگری، آمریکا چقدر در افغانستان جنایت و بمباران کرد و در آخر نتوانست موفق شود. داعش را خودشان به وجود آوردند و حمایت کردند اما الان در آن ماندند و ائتلاف برای از بین بردن داعش تشکیل دادند. اخیرا نخست‌وزیر سابق فرانسه صراحتا اعلام کرد که داعش نتیجه سیاست‌های غرب است و آنها را غرب به وجود آورده است. از این صریح‌تر نمی‌شد درباره ریشه تشکیل داعش سخن گفت.

دبیر سیاسی سابق کارگزاران درباره احتمال به نتیجه نرسیدن مذاکرات هسته‌ای با آمریکا می‌گوید: بله، ممکن است. امکان هر موضوعی وجود دارد حتی امکان دارد این مذاکرات در مورد پرونده هسته‌ای به مذاکرات فرسایشی تبدیل شود و مدت‌ها ادامه پیدا کند چون مجموع سیاست منطقه آمریکا که مقدار زیادی توجه به اسرائیل و حفظ امنیت این رژیم دارند، از سوی آمریکا مورد توجه است. سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا مبتنی بر محور امنیت اسرائیل است و فرقی هم بین حزب جمهوریخواه و دموکرات نیست.

وی در بخش دیگری از این مصاحبه، ضمن اشاره به آثار منفی تحریم‌ها گفت: تحریم‌ها آثار مثبتی دارد که در گذشته هم شاهد آن بودیم بدان معنا که اگر امیدمان به خارج کشور قطع شود، اتکا به داخل بیشتر خواهد شد و احساس می‌شود هر چه نیاز داریم با توجه به استعدادها و امکاناتی که در داخل کشور وجود دارد تامین خواهد شد. قدرت موشکی ایران، قدرت بسیار قابل توجهی در منطقه است. در روزی که انقلاب شد به این اندازه قدرت نداشتیم و وابسته بودیم. یک گلوله هم نمی‌توانستیم بسازیم اما الان به جایی رسیدیم که رقبا و دشمنان روی قدرت موشکی ایران حساب باز کردند و تبدیل به یک قدرت بازدارنده شده است. همین توان موشکی با قدرت نظامی اثر بازدارندگی برای دشمنان دارد که ناچار هستند یک‌سری مسائل را رعایت کنند. در حوزه دارو، ژنتیکی و علمی ایران توانسته در این سال‌ها به نتایج خوبی برسد. یک‌سری مشکلات وجود دارد اما اگر امید داشته باشیم که دیگران بیایند و این مشکلات را برای ما حل کنند، انتظار درستی نیست چرا که ممکن است در چنین وضعیتی، اندیشه، تفکر و تلاش خودمان را استفاده نکنیم و به امید دیگران باشیم. اگر امید به خارج را قطع کنیم، می‌توانیم در این حوزه‌ها هم مشکلات خود را حل کنیم البته سختی دارد اما باید سختی‌ها را تحمل کرد اما نتیجه سختی می‌تواند شیرین باشد.

عطریانفر: عبدالله نوری وزیر شد تا روحانی وزیر نشود

عضو مرکزیت کارگزاران می‌گوید عبدالله نوری در سال ۶۸ به هیچ عنوان حاضر نبود وزیر کشور دولت هاشمی شود اما برای اینکه حسن روحانی وزیر نشود، وزارت کشور را قبول کرد.

محمد عطریانفر در مصاحبه با شرق با اشاره به پیشنهاد وزارت کشور به نوری از سوی هاشمی رفسنجانی در سال ۶۸ می‌گوید: آقای نوری ابتدا سر می‌زند و می‌گوید حاضر نیست به جای آقای محتشمی‌پور به وزارت